

سیاست ایدئولوژیک



احمدغلامی

ایدئولوژی با سیاست چه می‌کند؟ اگر چه این جمله پرسشی است اما درصدد نیستم به آن پاسخ بدهیم، بلکه می‌خواهیم از طریق این پرسش بحثی را طرح کنیم که به رابطه سیاست و ایدئولوژی می‌پردازد. جهان پیچیده سیاست امروز را نمی‌توان با ذهن‌های ساده فهمید. یکی از راه‌هایی که پیچیدگی حیات را ساده می‌کند، بساویر به ایدئولوژی است. اغلب کسانی که با ابزار ایدئولوژی دنیا را فهم می‌کنند -برخی فعالان و مدیران سیاسی ایران این‌گونه هستند- جامعه را همچون قالب یخی می‌بینند که مولکول‌های آن در وضعیت فشردگی و در یک رابطه تنگاتنگ کنار هم قرار گرفته‌اند و کُلی را تشکیل می‌دهند که با هر یک از اجزایش برابر است. این تصور که کل برابر با اجزایش است، شکلی از نگاه ایدئولوژیک است که مجموعه افراد در جامعه را برابر با کل آن می‌گیرد و باور دارد با یک روش خاص و ایدئولوژی خاص آن را می‌توان اداره کرد و مشکلات جامعه را از طریق همین ایدئولوژی و متوسل‌شدن به ابزارهای ایدئولوژیک کنترل کرد و ارتقا داد. اما کارکرد جامعه نشان داده است: «کل بزرگ‌تر از مجموع اجزایش است. معنای ژرفی در همین جمله ساده نهفته است. این عبارت در محاورات روزانه عموماً اشاره دارد به نقش جامعه، کار تیمی، ارتقای هدف، راه‌هایی که افراد با توانمندی‌ها و استعداد‌های متفاوت خودشان در فرایند همکاری با یکدیگر می‌توانند بر اثر هم‌افزایی دستاوردهایی داشته باشند، بسی بیش از میراثی که هرکدام از آنها به تنهایی می‌توانسته‌اند پدید بیاورند: یک تیم برنده، یک جنبش اجتماعی، …». تأکید اینجا بر روی کسانی است که جنبش‌های اجتماعی را ابزارگرایانه و ایدئولوژیک می‌بینند و قادر نیستند زمینه‌های پدیداری یک جنبش اجتماعی را درک و تصور کنند. نمی‌دانند حرکت دسته‌جمعی مولکول‌ها منجر به ذوب‌شدن یخ جامعه می‌شود. آنان باور دارند برای جلوگیری از ازمه‌گسیختگی جامعه باید به‌شدت با آن برخورد کرد. این شد برخورد، زمانی که عناصر ایدئولوژیک توان اثرگذاری خود را از دست داده‌اند، تهاترین راه ممکن برای بقاست. نگاه ابزارگرایانه ایدئولوژیک همچون نگاه منفعت‌گرایانه است که باور دارد این منافع اشخاص است که به جامعه انسجام می‌دهد و بساویر فاصله طبقاتی به‌وجودآمده نه لزوماً از منفعت‌گرایی که ریشه در بازار دارد، بلکه از تبلی و کاهلی و بداقبالی خود همین افراد فرودست است. در جامعه‌ای ایدئولوژیک، افراد فرودست بیش از افراد دیگر دستاویز قدرت قرار گرفته و بیش از طبقات دیگر از آنان سوءاستفاده می‌شود. چه‌بسا همین طبقات فرودست در بزنگاه جنبش‌های اجتماعی مقابل کسانی قرار بگیرند که به دفاع از حقوق آنان برخاسته‌اند. همین افراد فرودست ضد جنبش، به صاحبان ایدئولوژی نشان می‌دهند «یکی از ویژگی‌های متمایز پیچیدگی حیات این است که در یکایک چنین مواردی، کل بیشتر از حاصل جمع اجزا است…». این پیش‌بینی‌ناپذیری… یکی از ویژگی‌های بنیادینی است که درک ما را از جهان ارتقا می‌بخشد». در سیاست ایدئولوژیک این پیچیدگی با احکام یا فرامین ساده‌سازی می‌شود و جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی پیش‌بینی‌ناپذیر می‌شود و تنها راه سیاست ایدئولوژیک پیشگیری تهدیدآمیز یا مقابله با فاعلان است. درصورتی‌که جنبش‌های اجتماعی مانند موج‌های سرکش دریا «آشوبناک» هستند که براساس تجربه و تحلیل اجزای آن نمی‌توان به توان و تأثیرگذاری و دوام آن دست یافت و هر سیاست ایدئولوژیک در برابر این امواج وشت‌زده و سردرگم می‌ایستاد: «در سامانه‌های آشوبناک، کل مساوی جمع اجزا نیست، بلکه بیش از آن است…».

«در ادامه در صفحه ۶»

انا لله و انا الیه راجعون

برادر گرامی جناب آقای داوودی شمس‌ی

با تأسف و تأثر درگذشت برادر بزرگوارتان را تسلیت عرض می‌کنیم، از درگاه خدای رحمان، رحمت و مغفرت برای آن مرحوم و شکیبایی و سلامتی برای بازماندگان محترم مسئلت داریم.

سید مرتضی مبلخ، سید محمود حسینی

جعفر رحمان زاده، عباس رضایی، سید ابو الفضل رضوی

محمد زائری، محمد تقی شریعتی، محمد مهدی صمدی

احمد علی فردوسی، علیرضا فیروز، علی مزروعی

عباس نصر آزادانی

شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴
۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۶ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۷۲
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

گزارش

توسعه پایدار با رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط

سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران با بهره‌گیری از سه دهه تجربه سازمان مدیریت صنعتی در ارزیابی و اعتباربخشی بنگاه‌های صنعتی بزرگ کشور اکنون برای نخستین‌بار، رتبه‌بندی شرکت‌های کوچک و متوسط را در سال ۱۴۰۴ در دستور کار خود قرار داده است. بر اساس داده‌های منتشره مطالعات نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از اقتصاد کشورهای صنعتی در اختیار صنایع کوچک و متوسط است؛ به عنوان مثال در کانادا حدود ۷۷ درصد مشاغل جدید توسط صنایع کوچک و متوسط ایجاد شده است یا در کشورهای آسیایی صنایع کوچک و متوسط نقش حیاتی در افزایش رشد اقتصادی، ارتقا و پویایی کشورهایی مانند کشور ژاپن داشته‌اند و حدود ۷۰ درصد از کل اشتغال در اقتصاد ژاپن را پوشش می‌دهند و ۶۰ درصد این صنایع به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با شرکت‌های بزرگ فعال در صنعت ارتباط دارند. در چین افزون بر ۵۲ میلیون شرکت کوچک و متوسط فعال هستند که این شرکت‌ها ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور و ۶۰ درصد حجم تولید، هفت درصد نوآوری و ۹۰ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند. در ایران هم صنایع کوچک حدود بیش از ۹۰ درصد از تعداد واحدهای تولیدی و قریب به ۴۵ تا ۵۵ درصد اشتغال صنعتی کشور را

یادداشت

برگشت به گذشته ممکن نیست



مهرداداحمدی‌شیخانی

دیده که به او گفتم آنچه امروز دیدی و رفتارهایی که مشاهده کردی، آینده جامعه ماست؛ آینده‌ای که قطعا اتفاق می‌افتد و هیچ‌وقت نمی‌شود جلوی آن را گرفت. آنچه امروز در کوچه و خیابان و هر کوی و برزن می‌بینیم، چه خوش‌مان بیاید یا نباید، همان چیزی است که آن روز محسن آرمین در آن کافه کوچک خیابان شهید کبکانیان دید. اینکه بعضی گمان می‌کنند شاید اگر آن روز کاری می‌کردند، امروز جامعه به اینجا نمی‌رسید، اولاً دیگر رسیده، ثانیاً، همان موقع هم رسیده بود و فقط ما نمی‌دیدیم. اگر امروز این‌همه کافه در سطح شهر هست، ایجادکننده آن آداب و رفتاری نیست که عده‌ای را برآشفته کرده، بلکه آنچه جامعه هست را بازتاب می‌دهد. این اتفاق با انقلاب شروع شد، نه با دوم خرداد یا ۷۶ قبل‌تر یا انتخابات مجلس پنجم سال ۷۴. آن رخدادها فقط به ما خبر می‌داد که گذر زمان با جامعه چه کرده. سال‌ها پیش در یادداشت‌هایی از این نوشتم که انقلاب، قدرت جادویی زنان را از شیشه بیرون آورده و این جادو آن‌قدر نیرومند است که جامعه را تغییر می‌دهد و نوشتم آنچه این قدرت را به زنان داد، اصرار اعجاب‌انگیز امام بر سوادآموزی زنان بود. جمهوری اسلامی بخش بزرگی از زنان را باسواد کرد و همین جامعه را از بنیان تغییر داد. یادم هست، آن موقع این یادداشت‌هایم با هجوم مخالفان جمهوری اسلامی روبه‌رو شد، چراکه نمی‌توانستند قبول کنند که جمهوری اسلامی چنین کرده، ولی کرده. شما به همین چند ماه پس از جنگ بنگرید. تقریباً روزی نیست که خبر یک موفقیت بین‌المللی در ورزش زنان را نشنویم. کاری به این ندارم که تلویزیون، ورزش زنان را نشان می‌دهد یا نه. این قدرت از چراغ بیرون آمده، چنان‌که دیروز هم خبر رسید که خانم آتوسا گلشادنژاد بهترین کاتاکای زن جهان شده؛ در بین تمام کاتاکاهای زن جهان و نه‌فقط در وزن خودش. حالا نمایندگان مجلس نامه ۱۵۵ امضایی بنویسند. فایده ندارد. روزی که امام با تدبیر فرمان نهضت سوادآموزی را داد و یادگیری و سواد را یک فریضه دینی اعلام کرد، مسیر قدرتمندشدن زنان را هموار کرد. اگر کسانی به دنبال بازگشت به گذشته‌اند الان دیگر خیلی دیر است.



«شرق» از سلسله تحولات معنادار خاور میانه گزارش می‌دهد

ایران در آزمون بغداد و بیروت

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۴ بخوانیدعکس:فاطمه‌علی‌محمد

بررسی آماری ۱۰ساله از سهم اقلام ضروری در سبد هزینه خانوار ایرانی نشان می‌دهد که معیشت طبقه متوسط به سرعت در حال زوال است

یک دهه فرودستی

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گزارش تیرتیک را در صفحه ۲ بخوانید

گفت‌وگو با کاظم هزیرآزاد به بهانه بازی در نمایش «خندیدن زیر مشت و لگد»

تئاتر چندان جدی گرفته نمی‌شود

گزارش تیرتیک را در صفحه ۱۱ بخوانید

برگزیده‌ها

دربی ۱۰۶: کسل‌کننده، بدون گل و سرکاری

صفر مطلق!

گزارش تیرتیک را در صفحه ۹ بخوانید

گفت‌وگوی «شرق» با مسافران مال‌باخته «فلانتینو» از ۶ماه انتظار بی‌نتیجه برای دریافت پول بلیت‌شان

از تماس‌های بی‌پاسخ تا تعلیق پروانه فعالیت

گزارش تیرتیک را در صفحه ۸ بخوانید

رئیس‌جمهور فرانسه با دست‌خالی از یکن برگشت اما مسکو شریان اقتصادی خود را محکم کرد

سیاحت مکرون تجارت بوتین

گزارش تیرتیک را در صفحه ۵ بخوانید

مطالباتی که بی‌پاسخ ماند

گزارش تیرتیک را در صفحه ۱۰ بخوانید

نگاه

چرا خودروهای ایرانی‌نو سهمیه‌بزنین یارانه‌ای ندارند؟

یادداشتی از پویا نعمت‌الهی

گزارش تیرتیک را در صفحه ۱۲ بخوانید

دنیای این روزهای ما

نسخه بعدی



رامین خسروخوار

در دنیای این روزهای ما، «گذشتن» یکی از بنیادی‌ترین تجربه‌های انسانی است؛ تجربه‌ای که در آن فرد از چارچوب‌های پیشین خود بیرون می‌آید و به امکانی تازه قدم می‌گذارد. گذشتن در این معنا نه یک جابه‌جایی سطحی یا تغییر محیط، بلکه دگرگونی درونی فهم، باور، خواست و نسبت فرد با جهان است. هر گذار در ژرف‌ترین لایه‌ها رخ می‌دهد: گذشتن از «بودن» به «شدن».

در زندگی بسیاری از چهره‌های اثرگذار تاریخ، این دگرگونی به‌روشنی دیده می‌شود. مولوی، هنگامی که با شمس مواجه شد، تنها مسیر شغلی با جایگاه اجتماعی‌اش را تغییر نداد؛ او از یک صورت‌بندی مبتنی بر علم رسمی و نظم فقهی به افقی دیگر گام نهاد؛ افقی که در آن، معرفت نه حاصل گردآوری اطلاعات، بلکه ثمره دگرگونی وجودی بود. این گذار، نمونه‌ای از تحول در سطح تجربه زیسته است:

«مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم/ دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم». در نمونه‌ای دیگر، شهریار با کنار گذاشتن پزشکی از مسیر «کارآمدی اجتماعی» گذشت و وارد قلمروی شد که برای او اصالت بیشتری داشت: قلمرو بیان احوال انسانی. این گذار، گذار از مصلحت‌گرایی به اصالت است. گذر بیل گیتس یا نیوتن، اگرچه در ظاهر از جنس دانش و پژوهش است، اما در لایه‌ای عمیق‌تر نوعی رهایی از چارچوب‌های صلب و تثبیت‌شده است؛ تمایلی به آفرینش قواعد تازه. این گذارها نفی دانش نیستند، بلکه نفی محدودیت‌هایی‌اند که پیرامون آن شکل گرفته‌اند. در عمل، گذشتن از «ساختار» برای رسیدن به «امکان» است. در سوی دیگر، گالیله در سطحی یا فروغ فرخزاد در مقیاسی دیگر گذشتی وجودی را تجربه کردند؛ گذر از ترس اجتماعی به بیان فردی.

«در ادامه در صفحه ۶»

«در ادامه در صفحه ۶»

«در ادامه در صفحه ۶»

«در ادامه در صفحه ۶»